

# واگو

بچه‌های گرمسیر فارس باری جالبی دارند بنام واگو که برای پرورش حافظه و دقت و سرعت انتقال تمرین خوبی است. بازی چنین است که بچه‌ها دور هم می‌نشینند و «سردسته» ظرفی جلو آنها میگیرد و میگوید: «خانه خدا را پر کنید!» هر کس مقداری تنقلات مانند گندم برشته و نخودچی و مویز و کشمش که باید دانه دانه باشد در آن میریزد. پس از آن بازی شروع میشود و سردسته خطاب به یکی از بازیکنان شعری میخواند و او باید پس از هر مصرع آخرین کلمه همان مصرع و مصرع‌های پیش از آن را بترتیب تکرار کند. مخاطب باید این کار را تندو بدون درنگ انجام دهد و کلمات آخر مصرع‌ها را از آخر به اول بگوید و هر جا که سوخت، تعداد هر کلمه‌ای که درست گفته است سردسته یک دانه از آن تنقلات را به وی میدهد و بازی را با دیگری شروع میکند.

از میان بازیکنان آن که موفق شود همه کلمات را بترتیب و بدون مکث از آخر به اول تکرار کند همه بازیکنان دست - زنان به افتخار او میخوانند:

از بس مویز بخورده

خونه خدا را برده

این بچه گل بگفته .

و خانه خدا همان ظرف پراز تنقلاتست که برنده بعنوان جایزه میگیرد .

اینک دوشمر از این بازی با آنچه مخاطب باید بازگو کند:

- اشتر به چراست در بلندی  
 «در بلندی»  
 کلهش به مثال کله قندی  
 «کله قندی - در بلندی»  
 چشمش به مثال آینه بندی  
 «آینه بندی - کله قندی - در بلندی»  
 گوشش به مثال باد بزنی  
 «بادبزنی - آینه بندی - کله قندی - در بلندی»  
 چیلش (۱) به مثال دهنه‌ی پالنگی (۲)  
 «دهنه پالنگی - بادبزنی - آینه بندی - الی آخر»  
 فینش (۲) به مثال غار تنگی  
 «غار تنگی - دهنه پالنگی - بادبزنی ...»  
 گردن به مثال غاز قلنگی (۴)  
 «غاز قلنگی - غار تنگی - دهنه پالنگی ...»  
 سینش به مثال تخته سنگی  
 «تخته سنگی - غاز قلنگی ، غار تنگی ...»  
 کمش (۵) به مثال طبل جنگی  
 «طبل جنگی - تخته سنگی - غاز قلنگی ...»  
 لنگش به مثال يك تفنگی  
 «يك تفنگی - طبل جنگی - تخته سنگی ...»  
 تخمش به مثال جفت زنگی  
 «جفت زنگی - يك تفنگی - طبل جنگی ...»  
 گندش به مثال دسته هونگی (۶)  
 «دسته هونگی - جفت زنگی - يك تفنگی ...»  
 پشکش (۷) به مثال جوز قندی  
 «جوز قندی - دسته هونگی - جفت زنگی ...»  
 دمبش به مثال جارو پنگی (۸)  
 «جارو پنگی - جوز قندی - دسته هونگی ...»

- این مار چو گربه هوفه (۹) داره  
 «هوفه داره»  
 در کوه رگمر خونه داره  
 «خونه داره - هوفه داره»

يك بچشك (۱۰) گت (۱۱) توچونه (۱۲) داره  
 «چونه داره - خونه داره - هوفه داره»  
 سري چو چماق گلوله داره  
 «گلوله داره - چونه داره - خونه داره - هوفه داره»  
 چشمی (۱۳) ريقينك (۱۴) گردونه داره  
 «گردونه داره - گلوله داره - چونه داره ...»  
 يك زبون سيوي (۱۵) قيطونه داره  
 «قيطونه داره - گردونه داره - گلوله داره ...»  
 صد بدست (۱۶) بالاش (۱۷) پيمونه داره  
 «پيمونه داره - قيطونه داره - گردونه داره ...»  
 مسی (۱۸) زامام جعفري (۱۹) نشونه داره  
 «نشونه داره - پيمونه داره - قيطونه داره - گردونه  
 داره ....»

گرد آورنده: گرامت رعنا حسيني



۱ - چيل : دهان ۲ - پالتنگي : گيوه ملكي ۳ - فين : بيني ۴ - غاز قلنك : لكلك  
 ۵ - كم (بهضم كاف) : شك ۶ - هونك : هاون ۷ - پشك : پشك ۸ - جاروپنگي : جاروش  
 كه از خوشه خرما درست كنند ۹ - هوفه : صدای مار وگرهه بوقت خشم ۱۰ - بچشك (به كسر  
 اول ودوم) : گنجشك ۱۱ - گت (به ضم كاف) : گنده ، درشت ۱۲ - چونه : چانه ۱۳ - چشمي  
 (بضم ميم) : چشمهای ۱۴ - ريقين : ريز ، كوچك ۱۵ - سيوي : سياهی ۱۶ - بدست :  
 وجب ۱۷ - بالا : ند وقامت ۱۸ - مسی : مسح ، دست كشيدين ۱۹ - گفته ميشود كه امام جعفر -  
 صادق مار را در آسین خود پناه داد و آن جانور انگشت حضرت را گزييد . حضرت انگشت  
 خود را كه خون از آن جاری بود بر پشت ماركشيد و اثر آن بصورت نواری حنائی رنگ  
 بجا ماند كه تا قيامت نشان بدكشي و ناسپاسی مار باشد . وبه همین جهت است كه مارهایی  
 راکه خط سرخی بر پشت دارند مار جعفري مينامند .